

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعیم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیستم

۳۱ مارچ ۲۰۱۴

۵- تأسیس حزب کمونیست البانی

کنفرانس گروه های کمونیست به منظور تأسیس حزب از ۸ تا ۱۴ سپتمبر ۱۹۴۱ در تیرانا در حالت مخفی تشکیل شد. پانزده نفر در آن شرکت جستند، از آنجمله: کمال استاقا، وازیل شانتو و پیلوپریستری. وظیفه اصلی که باعث تشکیل کنفرانس شده بود از همان آغاز علی الاصول انجام گرفت و در ۸ نومبر تصمیم تاریخی مبنی بر ادغام گروه ها و تأسیس حزب کمونیست البانی اتخاذ گردید. کنفرانس گزارش های فعالیت هر گروه را شنید، پیشرفت ها و نقایص نهضت کمونیستی را در البانی روشن ساخت و مسائل حیاتی مطروحه در برابر حزب را مورد بحث قرار داد. اکثریت نمایندگان تصمیم خود را بر خاتمه دادن به پراکندگی و بر پایه گذاری حزب مارکسیست – لنینیست واحد که از وحدت استوار سازمانی و ایدئولوژیک و مشی سیاسی مبارزه جویانه برخوردار باشد، اظهار داشتند. فقط آناستاس لولا و صدیق پرمت، رهبران اصلی و نمایندگان گروه «جوانان» کوشیدند که از عملی شدن این منظور جلوگیری کنند. آنها جرأت نداشتند آشکارا علیه وحدت گروه های کمونیست سخن بگویند زیرا که این امر مورد مطالبه مصرانه کمونیست های ساده بود. آنها همان نظریات معروف ترسکی گروه خود و سایر خائنان به مارکسیسم – لنینیسم را پیش کشیدند و دفاع کردند و به ویژه خواستند «فقدان پرولتاریا»، «خصلت ارتجاعی و محافظه کارانه دهقانان»، «فقدان کادر های آماده»، «خطری که تبلیغ و تهنیج علنی به ضد فاشیسم برای کادر ها در بر دارد»، «بیهودگی انتظار کمک و پشتیبانی از اتحاد شوروی» را ثابت کنند. منظور آنها از استدلال نامبرده اشاعه این نظر بود که تأسیس حزب کمونیست واحد، اقدامی کاملاً صوری خواهد بود و این حزب هرگز نخواهد توانست به صورت رهبر خلق البانی در آید و مبارزه برای رهائی ملی را رهبر شود.

انور خوجه با پشتیبانی کمال استافا و سایر اعضای جلسه که به مواضع مارکسیستی – لنینیستی وفادار بودند به مبارزه اصولی علیه این نظریات سازمان بر افکن پرداخت. آناستاس لولا و صدیق پرمات که خود را مغلوب دیدند ظاهراً به تبعیت از اکثریت رضایت دادند و متعهد شدند که تصمیمات جلسه را عملی سازند.

کنفرانس گروه های کمونیست پایه های ایدئولوژیک و سازمانی حزب را معین کرد و مسائل اساسی مشی عمومی او را در دوران مبارزه نجات بخش ملی روشن ساخت.

کمیته مرکزی موقت مرکب از هفت نفر انتخاب شد و اگرچه دبیر معین نشد، اما رهبری کمیته به انور خوجه محول گردید.

به موجب ماده ای که به تصویب رسید هیچ یک از رؤسای عمده سابق گروه ها (صدر یا معاون صدر) به رهبری حزب انتخاب نشد. این امر معلول توافق ساده نبود بلکه اقتضای تکامل نهضت کمونیستی و انقلابی بود. رؤسای گروه ها با آلودگی شدید به روحیه گروهی از مدت ها پیش به صورت مانعی در راه وحدت کمونیست های البانی در حزب واحد در آمده و نشان داده بودند که از رهبری کمونیست ها و توده های انقلابی عاجز اند.

پایه های ایدئولوژیک و سازمانی حزب

کنفرانس نظریات سوسیال دموکراتیک را در باره حزب طبقه کارگر که به ویژه در اثر کوشش های للازارفونودو در البانی شایع شده بود افساء کرد و از مشی و فعالیت عمیقاً ترسکیستی گروه «زژاری» که می خواست خود را «حزب کمونیست البانی» جا بزند پرده برداشت و با عزم جزم تصمیم گرفت که حزب کار البانی به مثابه حزب طراز نوین بر پا خواهد شد و رشد خواهد یافت.

«حزب نباید به صورت حزبی از نوع قدیم، حزبی شبیه به احزاب انترناسیونال دوم سوسیال دموکراسی در آید که تلاشی درونی، بی حرکتی، روحیه گروهی، فراکسیونیسیم و خیانت به منافع طبقه کارگر در آن حکم فرما بود. ما خواستار حزبی هستیم که بتواند طبقه کارگر را در مبارزه تا پیروزی رهبری کند...»^۱

جلسه در عین حال، کلیه نظریات اشتباه آمیز و بیگانه از ایدئولوژی مارکسیستی – لنینیستی را که در صفوف گروه های کمونیست جاگیر شده بود به سختی در معرض نکوهش قرار داد و به ویژه «تئوری کادر ها» را به عنوان تئوری شکست طلبی و اپورتونیستی که کمونیست ها را از توده های مردم دور می کند و عقب می اندازد، آنها را به صورت گروه سر بسته در می آورد و سر انجام به بر انداختن حزب منجر می شود، افساء کرد.

جلسه تصریح کرد که تئوری پیشاهنگی که حزب در تنظیم برنامه و در همه فعالیت خویش از آن پیروی خواهد کرد مارکسیسم – لنینیسم خواهد بود. در این مورد جلسه، وظیفه زیرین را مقرر داشت:

«...اهتمام کامل در ارتقاء ایدئولوژیک کادر ها در زمینه تئوریک و در زمینه سیاسی از طریق فراگرفتن تئوری مارکسیستی لنینیستی...»^۲

کمیته مرکزی موقت موظف گردید که کلیه مطبوعات مورد مطالعه گروه های کمونیست را از متون ضد مارکسیستی، ترسکیستی و آنارشویستی تصفیه کند و ترجمه و طبع، توزیع و مطالعه «تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» و همچنین یک سلسله از آثار مارکس، انگلس، لنین و ستالین را سازمان دهد.

به این طریق حزب کمونیست البانی از روز تأسیس خود برای تئوری مارکسیستی – لنینیستی و وجدان کمونیستی افراد خویش به منزله نیروئی که به حزب زندگی می بخشد و آن را به حرکت در می آورد، دورنما به روی او می گشاید، و

^۱ - قطعه نامه های کنفرانس گروه های کمونیست. اسناد عمده حزب کار البانی جلد اول صفحه ۱۹.

^۲ - همانجا، صفحه ۲۰.

راه پیروزی نهضت کارگری و جنبش رهائی توده های ستمدیده و استثمار زده را نشان می دهد، اهمیت فراوان قائل شد.

کنفرانس تصمیم گرفت که برای همیشه به پوسیدگی سازمانی گروه های کمونیست، به سستی انضباط، روحیه فراکسیون و گروهی خاتمه دهد و حزبی بر پایه های تشکیلاتی استوار مارکسیستی - لنینیستی به وجود آورد. سازمان دادن حزب بر پایه های استوار، به مثابه وسیله عمده غلبه ناپذیر ساختن حزب و تأمین اجرای مشی سیاسی آن ملحوظ گردید.

نخستین وظیفه ای که در این زمینه معین شد آن بود که کلیه ارتباطات رهبری های گروه های کمونیست با اعضای خودشان به کمیته مرکزی موقت منتقل شود. از این پس کمونیست ها می بایست فقط آن موازین سازمانی را به کار برند که کنفرانس و کمیته مرکزی بر پایه اصل مرکزیت دموکراتیک، اصل اساسی سازمانی حزب مارکسیستی لنینیستی، مقرر می دارند.

رهنمود داده شد که هر چه زودتر به جای حوزه های محدود سابق که از دو یا سه عضو تشکیل می شد حوزه های تازه ای به وجود آید مرکب از اعضای سابق گروه ها پس از تصفیه صفوف آنها از کلیه عناصری که گرایش های بارز سکتاریستی، اپورتونیستی و گروهی نشان داده اند. به موازات تشکیل حوزه ها می بایست کمیته های منطقه ای حزب به وجود آید و بین حوزه ها و این کمیته ها ارتباط محکم برقرار گردد. کنفرانس می طلبد که حوزه ها حداکثر ابتکار را به کار برند و در توده های وسیع شهر و روستا نفوذ کنند، و کمیته ها به آنها کمک برسانند و فعالیت آنها را تحت نظارت مداوم قرار دهند.

در عین حال، به منظور تقویت حزب لازم تشخیص داده شد که خون تازه به وی تزریق شود، صفوف وی با اعضای جدید از مبارزان ثابت قدم، کارگران و دهقانان تهیدست گسترش پذیرد و هرگونه احتیاط بیجا و سکتاریسم در پذیرش آنها کنار گذاشته شود.

در مورد عضویت حزب، فورمول معروف لنینی پذیرفته شد که جلسه آن را چنین بیان کرد:

«فقط کسی می تواند عضو حزب باشد که برنامه آن را بپذیرد، در یکی از سازمان های آن (حوزه) شرکت جوید و حق العضویت بپردازد.»^۳

توجه خاصی به وحدت و انضباط حزب معطوف شد.

«حزب ما که دشمنان بسیاری دارد، بدون انضباط آهنین وحدت نمی تواند به مبارزه ظفر بخش بپردازد.»^۴

کنفرانس به منظور تأمین وحدت محکم و انضباط سخت از کمونیست ها می خواست که چشم های خود را بگشاید تا عناصر فرصت طلب، فتنه انگیز و کسانی که قویاً روحیه خرده بورژوائی دارند و انضباط نمی پذیرند و زمینه مساعد برای توطئه های ضد حزب فراهم می آورند به صفوف حزب راه نیابند. همچنین به سازمان ها وظیفه داده شد که هر کس را که گرایش ضد مارکسیستی، گرایش اپورتونیستی و سازمان بر افکنی دارد بیدرنگ اخراج کنند. تأکید شد که برای روحیه گروهی و فراکسیونیستی و برای بی انضباطی جایی در حزب نیست.

یکی از مسائل اساسی که در طی کنفرانس مورد بحث قرار گرفت و به مثابه وظیفه میرم معین گردید مسأله تماس حزب با توده ها بود. مصرانه خواسته شد که در این زمینه، شیوه معمول بد فرجام گروه سازی به هر قیمتی شده متروک گردد.

کنفرانس به کمونیست های البانی توصیه کرد که هرگز این سخن ستالین را از یاد نبرند

«اگر کمونیست ها با مادر خود یعنی خلق که آنها را به وجود آورده است، در پیوند بمانند غلبه ناپذیر خواهند بود.»

^۳ - همانجا

^۴ - همانجا، صفحه ۲۱

برای این که کمونیست ها بتوانند با توده های وسیع شهر و ده، با توده های جوانان و زنان در پیوند باشند و آنها را به صحت مشی سیاسی حزب معتقد گردانند کنفرانس چنین راه نشان می داد: کار تبلیغی و تهنیتی مبارزه جویانه و پر توان در میان کلیه قشر های خلق، مبادرت به اقدامات سیاسی و رزمی با سازماندهی توده ها به وسیله حزب.

جلسه به منظور برقراری روابط محکم با توده ها می طلبید که در کار بین جوانان و زنان نقطه عطفی به وجود آید و آن سستی و سکتاریسم و اشتباهات دیگری که در کار گروه ها در این زمینه وجود داشت رفع گردد. به کمیته مرکزی موقت وظیفه داده شد که تصمیمات لازم اتخاذ کند تا سازمان جوانان کمونیست هر چه زودتر به وجود آید و کلیه جوانان البانی به وسیله آن برای مبارزه ضد فاشیستی بسیج شوند. وظیفه ای که در مورد زنان مقرر شد این بود که در میان آنها به کار دقیق بپردازد، زنان رحمتکش را به حزب بپذیرند و توده زنان را برای مبارزه رهائی بخش بسیج کنند.

همچنین کنفرانس به اقدامات ضروری برای پاسداری حزب از ضربات دشمن که تمام امکانات خویش را در انهدام آن به کار خواهد انداخت توجه خاص معطوف داشت. اشغالگران فاشیست ایتالیایی و چاکران البانی آنها می کوشیدند تا ضرباتی شدیدتر از آنچه بر گروه های کمونیست زده بودند بر حزب کمونیست وارد آورند و در این کار از طرف ترنسکیست های گروه «زژاری» و مرتدان کمونیسم مساعدت می دیدند. از این جهت جلسه به اعضای حزب وظیفه داد که هشیاری بسیار داشته باشند، اسرار حزب را به هر قیمت شده نگهدارند، مخفی کاری را به طور مطلق مراعات کنند، اعضای حزب را به عمل کردن در شرایط کاملاً مخفی عادت دهند. در این مورد نظریات برخی از اپورتونیست ها و خائنانی که در صفوف گروه ها جای داشتند و می گفتند که کمونیست ها می توانند در زیر شکنجه، اگر چاره دیگری نباشد، در برابر پولیس و ارتش اعترافاتی بکنند و از این جهت منتسب به خیانت نخواهند شد، شدیداً محکوم گردید. تأکید شد که این نظریات رابطه ای با حزب پرولتاریا ندارد و باید به سختی به دور افکنده شود.

جلسه در عین توصیه به کمونیست ها در مراعات اکید مخفی کاری تأکید می کرد که این مطلب باید به درستی فهمیده شود و موجب محدودیت فعالیت در میان توده ها نگردد.

«ما در حالت مخفی کار می کنیم برای این که سازمان خویش را از دشمن محفوظ نگهداریم و نه برای این که خود را در پس پرده پنهان سازیم در خود فرو رویم»⁵

ادامه دارد...

⁵ - همانجا، صفحه ۲۰